

تغییرات سطح باروری و تعداد موالید در ایران

حسین نجاتیان



در اکثر بخشهای اقتصاد، جمعیت به عنوان مصرف کننده نهایی کالاها یا خدمات تولید شده، نقش مهم و تعیین کننده‌ای در برنامه ریزیهای آن بخش دارد. البته این نقش از یک بخش به بخش دیگر تغییر می کند. در پاره‌ای از بخشهای اقتصاد که تولید خدمات مورد نظر، خود بستگی زیادی به نیروی انسانی دارد (مثل خدمات عمومی و دفاعی)، جمعیت دو نقش کاملاً متفاوت می یابد. در این گونه بخشها، افزایش تعداد جمعیت، هر چند تقاضا برای کالاها یا خدمات تولیدی را افزایش می دهد، ولی در عین حال موجب افزایش تولید کالاها یا خدمات نیز خواهد شد. با وجود این با پیشرفت تکنولوژی و جایگزینی آن به جای نیروی انسانی، تعداد بخشهای مزبور و نیز میزان اتکای هریک از آنها به نیروی انسانی، به سرعت کاهش

یافته و نقش جمعیت به‌عنوان مصرف‌کننده کالاها یا خدمات برجسته‌تر شده است. در بخشهای دیگری از اقتصاد که با نیازهای اولیه انسان سروکار دارد — نظیر بهداشت و درمان، آموزش ابتدایی و کشاورزی — ویژگی دیگری نیز وجود دارد و آن این است که نیاز به استفاده از کالاها یا خدمات تولیدی، قبل از رسیدن فرد به سن کار — در مواردی حتی قبل از تولد — شروع می‌شود. طبیعی است که در این بخشها عامل جمعیت نقش مهمتری پیدا می‌کند و توجه به آن ضرورت بیشتری می‌یابد. به‌ویژه در این بخشها، تعداد جمعیت — و نه میزانهای تحول آن — عامل اصلی تعیین‌کننده حجم فعالیت‌های آینده خواهد بود. از این‌رو، در بخشهای مزبور تعداد مولید سالانه به‌عنوان مهمترین عامل تغییر طبیعی جمعیت، در معادلات وارد می‌شود.

افزایش یا کاهش مولید، و نیز آهنگ این افزایش یا کاهش در هر جامعه، به خصوصیات و ترکیب جمعیت و سطح باروری در آن جامعه بستگی دارد. در جوامع اسلامی، سطح باروری نکاحی عامل عمده‌ای در تغییر تعداد مولید است. علاوه بر سطح باروری نکاحی، ترکیب سنی — جنسی جمعیت و نیز ترکیب ازدواج زنان، ۱۰ ساله و بالاتر نیز بر تعداد مولید اثر می‌گذارد. لازم به یادآوری و توجه است که بین سطح باروری نکاحی که در اینجا با میزان باروری کل (TFR) نشان داده می‌شود و میزان مولیدخام (CBR) و تعداد مولید، تفاوت مشخص وجود دارد که به‌ویژه در بخشهای نظیر کشاورزی باید مورد توجه قرار گیرد. به‌عبارت دیگر هرچند که این سه عامل با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند ولی درعین حال نباید به یک معنی به‌کار گرفته شوند. در مقاله حاضر ضمن بررسی سطح باروری در سالهای اخیر روند تحول تعداد مولید در گذشته مورد تحلیل قرار خواهد گرفت و بر آن اساس تحولات آن در آینده پیشبینی خواهد شد.

۱) تحولات سطح باروری در ایران

به‌طور کلی، هرچند جمعیت ایران از سطح باروری نسبتاً بالایی برخوردار بوده است ولی در حال حاضر این عامل روند کاهنده‌ای دارد. محاسباتی که برپایه اطلاعات مربوط به سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۴۵ انجام شده است، نشان می‌دهد که میزان باروری کل در ایران در سال مزبور برابر $7/7$ بوده است. به‌عبارت دیگر، هر زن تا پایان دوره باروری خود تقریباً ۸ فرزند را زنده به دنیا می‌آورده است. این میزان در نقاط شهری کمتر و در حدود $6/9$ برآورد شده است. در عوض در نقاط روستایی میزان باروری کل در سال ۱۳۴۵ بسیار بالا و در حدود $8/2$ بچه برای هر زن بوده است. به‌طور کلی سطح باروری کشور در دهه ۴۰ را می‌توان با بالا بودن سطح باروری و تفاوت فاحش آن در نقاط شهری و روستایی توصیف کرد.

در دهه ۵۰، تحول درخور توجهی در سطح باروری زنان کشور به‌وجود آمد، و آن، کاهش سطح باروری کل در مناطق شهری است. به‌طوری‌که در سال ۱۳۵۵ میزان باروری کل در مناطق شهری کشور حدود $4/4$ برآورد شده است. این رقم در مقایسه با رقم مربوط به سال ۱۳۴۵ حدود ۲۰ درصد کاهش دارد. البته این بدان معنی نیست که در مدت مزبور سطح باروری در نقاط روستایی افزایش یافته است، چرا که در مجموع میزان باروری کل برای جمعیت کشور از $7/7$ به $6/2$ رسیده است. ولی مسئله این است که بخش عمده کاهش مزبور، مربوط به کاهش سطح باروری در نقاط شهری است. به‌طوری‌که میزان باروری کل در نقاط روستایی در سال ۱۳۵۵ برابر $7/8$ برآورد شده و در مقایسه با رقم متناظر در سال ۱۳۴۵ کاهش کمی را نشان می‌دهد. در مجموع تحولات مزبور حاکی از وجود زمینه‌های مناسب برای کاهش سطح باروری در آن سالها است و نشان می‌دهد که جمعیت کشور در دهه ۴۵ - ۵۵ تغییری مهم را شروع کرده و به طرف مرحله کاهش جهت یافته است.

روند کاهنده‌ای که در سطح باروری جمعیت کشور طی سالهای ۴۵ - ۵۵ به‌وجود آمده بود، تا سال ۱۳۶۵ ادامه نیافت. در واقع در آغاز این دوره جهت حرکت آن تغییر کرد. براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ میزان باروری کل (TFR) برابر $7/0$ است که در مقایسه با رقم $6/2$ مربوط به سال ۱۳۵۵ افزایش درخور توجهی را نشان می‌دهد. این دگرگونی - چنانکه در دهه قبل در جهت عکس دیده شد - در نقاط شهری شدیدتر است. به‌طوری‌که میزان باروری کل در نقاط شهری که در سال ۱۳۵۵ برابر $4/4$ بچه برای هر زن بود در سال ۱۳۶۵ به $5/1$ بچه برای هر زن رسیده و در واقع نزدیک به ۱۶ درصد افزایش یافته است.



افزایش سطح باروری بین سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ - که موجب افزایش میزان موایلد شده - بدون شك از جمله عوامل مهم افزایش غیر قابل پیشبینی جمعیت در سال ۱۳۶۵ بوده است. البته ناگفته پیداست که رشد بسیار بالای جمعیت در سالهای مزبور تنها ناشی از افزایش میزان باروری نبوده است، بلکه در این مدت سطح مرگومیر و بویژه سطح مرگومیر اطفال به شدت کاهش یافته و از حدود ۱۲۰ در هزار در سال ۱۳۵۵ به حدود ۶۸ در هزار در سال ۱۳۶۵ رسیده است. علاوه بر این مهاجرت از خارج به داخل کشور نیز نقش درخور توجهی در این زمینه دارد. ارقام موجود در این زمینه حکایت از آن دارد که در مدت مزبور بیش از ۳/۵ میلیون نفر مهاجر به داخل کشور وارد شده‌اند. مجموع این عوامل باعث شده است که در سالهای مورد بحث تعداد موایلد به شدت افزایش یابد.

جدول شماره ۱:

میزانهای باروری ویژه سنی (ASFR) و باروری کل (TFR) کشور

سن	سال ۱۳۴۵	سال ۱۳۵۵	سال ۱۳۶۵	سال ۱۳۷۰	سال ۱۳۷۱	سال ۱۳۷۲
۱۹-۱۵	۴۵	۱۵۰	۱۴۹	۱۱۲	۱۱۴	۱۰۰
۲۰-۲۴	۲۷۵	۳۱۶	۳۰۳	۲۶۰	۲۵۹	۲۴۷
۲۵-۲۹	۳۹۴	۳۰۱	۳۱۳	۲۵۷	۲۵۱	۲۳۷
۳۰-۳۴	۳۵۵	۲۴۲	۲۷۴	۲۱۸	۲۰۰	۱۸۹
۳۵-۳۹	۲۹۱	۱۶۹	۲۱۱	۱۶۹	۱۴۰	۱۲۷
۴۰-۴۴	۸۲	۸۵	۱۱۲	۹۲	۷۱	۶۱
۴۵-۴۹	-	۳۲	۲۹	۳۰	۱۹	۱۶
باروری کل	۷/۷	۶/۳	۷/۰	۵/۶۹	۵/۲۷	۴/۸۸
TFR						

ماخذ: اطلاعات مربوط به سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ از نشریه *Population and Development Review* جلد ۱۷، شماره ۴ دسامبر ۱۹۹۱، صفحات ۷۰۳ تا ۷۱۵، مقاله: *Population Change in Iran, 1966-86: A Stalled Demographic Transition* نوشته آقای دکتر اکبر آقاجانیان (ص ۷۰۹) اقتباس شده است.

با توجه به تحولاتی که سطح باروری دارد، چگونگی تغییر تعداد موالید در چند سال اخیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا از این طریق زمینه مناسبی برای شناخت آهنگ تغییر این پدیده در سالهای آینده فراهم آید. در این مورد، سؤال مهمی که می‌تواند مورد بحث قرار گیرد این است که آیا تعداد موالید، همان آهنگ افزایش را حفظ کرده است یا همراه با کاهش میزانهای باروری جهت نزولی پیدا کرده است. پاسخ این سؤال از طریق تجزیه و تحلیل اطلاعاتی که در زمینه باروری در طرحهای آمارگیری جاری جمعیت به دست می‌آید قابل حصول است.

مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۰، به منظور گردآوری اطلاعات اساسی در زمینه ویژگیهای

جمعیتی و نیز داده‌های مشخص در مورد باروری، دست به آمارگیری زد. در این آمارگیری که تحت عنوان «آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰» انجام و نتایج آن نیز منتشر شده است، علاوه بر سرشماری کامل جمعیت خانوارهای کشور، از ۱۰ درصد خانوارها اطلاعات باروری در زمینه تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آورده زنان و نیز فرزندان زنده به دنیا آورده آنان در سال قبل از آمارگیری، گردآوری شده است. طرح جاری جمعیت در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ نیز با پرسشنامه‌ای تقریباً مشابه سال ۱۳۷۰ ولی با نسبت نمونه‌گیری کوچکتر به اجرا درآمده است. با مقایسه میزانهای باروری و سایر میزانهای مربوط، می‌توان روند تغییرات تعداد موالید را در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۲ مورد بررسی قرار داد.

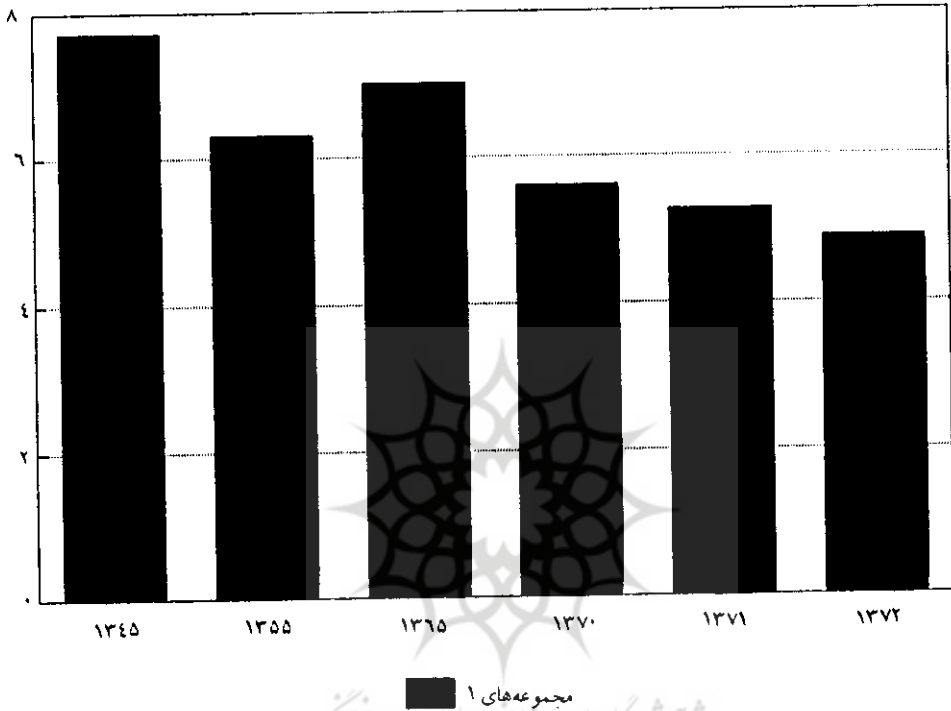
تمام شماری جمعیت در سال ۱۳۷۰ نشان می‌دهد که میزان رشد جمعیت در فاصله پنج سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ کاهش یافته است. بدون شك کاهش باروری نقش مهمی در این زمینه داشته است. به طوری که دیده شد میزان باروری کل (TFR) در سال ۱۳۷۰ به حدود $5/6$ کاهش یافته است. این کاهش مانند سالهای ۱۳۴۵-۱۳۵۵ در نقاط شهری شتاب بیشتری داشته است. آهنگ کاهنده سطح باروری در دو سال گذشته نیز همچنان ادامه یافته و حتی شاید بتوان گفت که سرعت بیشتری نیز گرفته است. به طوری که میزان باروری کل در سال ۱۳۷۱ به $5/3$ و در سال ۱۳۷۲ به $4/9$ رسیده است.

تحول سطح باروری مسلماً مانند هر پدیده اجتماعی - اقتصادی دیگر از عوامل زیادی تاثیر می‌پذیرد که پرداختن به تمامی آنها از حوصله این بحث خارج است. ولی در عین حال می‌توان به مهمترین این عوامل اشاره کرد:

- میزان مرگ‌ومیر کودکان، در دوره زمانی مورد بررسی به طور درخور توجهی کاهش پیدا کرده است. تا آنجا که می‌توان ادعا کرد که در سال ۱۳۷۰ به حدود ۶۰ در هزار رسیده باشد. در نتیجه این کاهش، انگیزه نسبتاً شدیدی در بین خانواده‌ها در جهت محدودتر کردن تعداد موالید به وجود آمده است. این انگیزه در برخورد با افزایش شدید هزینه‌های گوناگون مربوط به اطفال و کاهش اشتغال کودکان تشدید شده است. در سالهای اخیر هزینه‌های ویژه کودکان نظیر هزینه‌های بهداشتی و تعلیم و تربیت به شدت افزایش یافته و از طرف دیگر اهمیت و نقش کودکان از نظر نیروی انسانی شاغل در تولیدات خانگی و نیز کمک به والدین در دوران کهولت، کاهش یافته است. در حقیقت شاید بتوان دوران مزبور را به دوران فرزند سالاری تشبیه کرد که در آن آسایش و پیشرفت فرزندان، مرکز ثقل فعالیت‌های پدرومادر را تشکیل می‌دهد. مسلماً در چنین شرایطی تعداد فرزندان محدود خواهد شد.

نمودار شماره ۱:

میزان باروری کل (TFR) از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۲

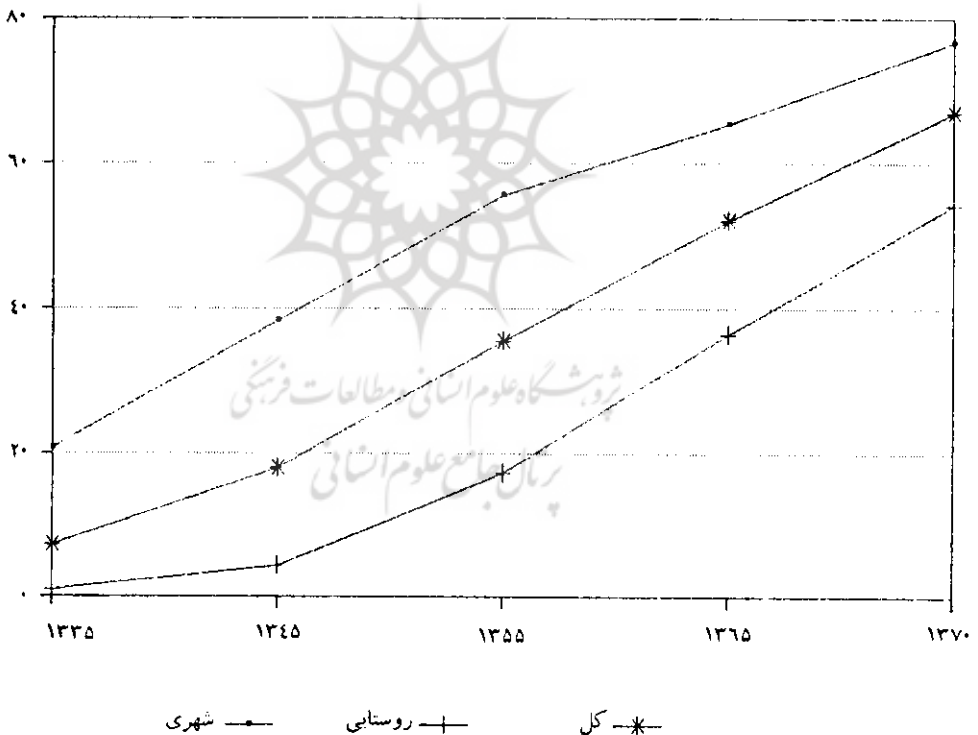


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

– زمینه‌های مناسبی که در جهت محدود کردن تعداد فرزندان، تحت تاثیر شرایط اجتماعی – اقتصادی فوق به وجود آمد، موجب پذیرش سریع و توسعه شدید برنامه‌های تنظیم خانواده شد. این برنامه‌ها که در مناسبترین زمان، دسترسی به وسایل جلوگیری از بارداری را تسهیل می‌کرد، امکان داد تا انگیزه‌های اقتصادی خانوارها در محدود کردن تعداد فرزندان به سرعت جامعه عمل بپوشد، در این شرایط، جای تعجبی نیست که میزان باروری کل (TFR) به شدت کاهش پیدا کند و در آینده نیز – تا شرایط اقتصادی عوض نشده است – ادامه یابد.

– افزایش باسوادی زنان که بر تمایلات و عقاید آنان و نیز بر کاربرد موثرتر وسایل جلوگیری از بارداری توسط آنان، تاثیر به‌سزایی دارد، از جمله عوامل دیگری است که کاهش سطح باروری را تشدید خواهد کرد و احتمالاً این تاثیر را طی سالهای ۱۳۶۵ – ۱۳۷۰ در جامعه زنان ایران داشته است. آمارهای موجود نشان می‌دهد که در سالهای اخیر میزان باسوادی و اشتغال به تحصیل در نزد زنان افزایش سریعی داشته است. چگونگی تحول این میزانها حکایت از آن دارد که انتظار افزایش این میزانها در سالهای آینده نیز، انتظاری عبث نخواهد بود. (نمودار شماره ۲).

نمودار شماره ۲:
نرخ باسوادی زنان



– اشتغال زنان در بخشهای مختلف فعالیتهای اقتصادی نیز که از عوامل محدود کننده مولید است، در سالهای اخیر روبه افزایش گذاشته است. برپایه اطلاعات موجود از آمارگیریهای مختلف انتظار می‌رود این آهنگ همچنان ادامه یابد و تا سال ۱۳۷۵ میزان اشتغال زنان در بخشهای تولیدی و خدماتی به ۱۵ درصد برسد. (نمودار شماره ۲).

به این ترتیب یکی از عوامل موثر در تعداد مولید سالانه، یعنی میزان باروری کل، از روندی کاهنده برخوردار است و می‌توان انتظار داشت در آینده نیز همچنان کاهش یابد و از این دیدگاه، تأثیری که بر تعداد مولید دارد منفی است. به عبارت دیگر تداوم کاهش سطح باروری منجر به کاهش تعداد مولید در سالهای آینده خواهد شد. نشانه‌های این کاهش را می‌توان در اطلاعات سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ به روشنی دید.

در نمودار شماره ۳ تعداد افراد صفرساله در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ و نیز برآورد این رقم در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ برپایه نتایج آمارگیریهای جاری جمعیت در سالهای مزبور ارائه شده است. روند کاهنده تعداد افراد صفرساله که معرف مولید سالانه است به خوبی در این نمودار مشاهده می‌شود.

۲) دیگر عوامل مؤثر در تعداد مولید

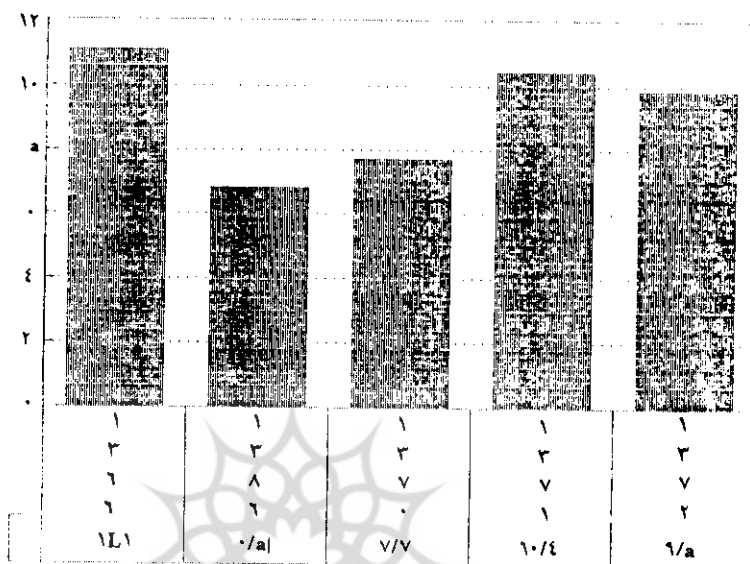
تعداد مولید تنها تابعی از سطح باروری نیست. بلکه عوامل دیگری نظیر تعداد زنان در سن باروری، سن ازدواج، درصد زنان همسر دار نیز تأثیر مهمی در تعداد مولید دارند. روشن است که هرگاه تعداد زنان موجود در سن باروری کاهش یابد، یا سن ازدواج افزایش یابد و درصد زنان دارای همسر کاهش پیدا کند، تعداد زنان در معرض باروری و به تبع آن تعداد بالفعل مولید نیز کاهش خواهد یافت.

یافته‌های حاصل از آمارگیریهای جاری جمعیت سالهای ۱۳۷۰، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ کشور نشان داده است که سن ازدواج زنان نسبت به سال ۱۳۶۵ افزایش یافته و درصد زنان دارای همسر روبه کاهش داشته است. این شرایط تأثیر زیادی در کاهش تعداد مولید خواهد داشت.

به طوری که مندرجات جدول شماره ۲ نشان می‌دهد درصد زنان دارای همسر در کشور، از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۲ کاهش درخور ملاحظه‌ای داشته و از حدود ۸۱ درصد به حدود ۵۰ درصد رسیده است. بررسی این کاهش برحسب سن زنان نکته مهمتری را نیز روشن می‌سازد که تأثیر بیشتری در کاهش تعداد مولید دارد، و آن این است که کاهش مزبور در سنین مختلف یکسان نیست، بلکه در سنین اولیه و موثر باروری شدیدتر است و یا افزایش سن کاهش می‌یابد.

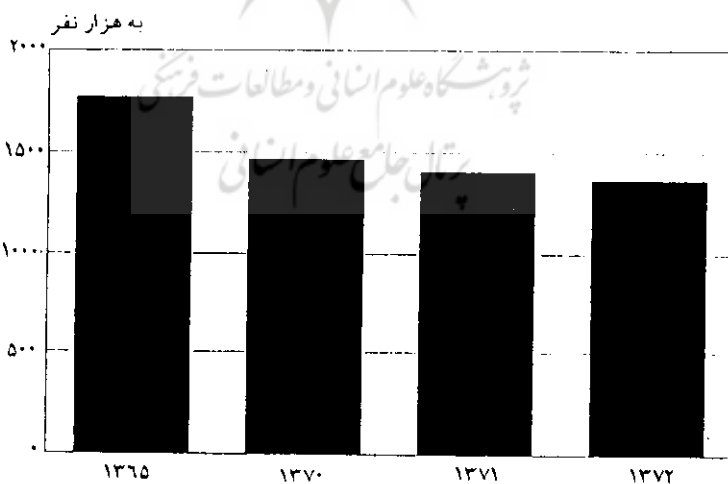
نمودار شماره ۳:

میزان اشتغال زنان از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۲



نمودار شماره ۴:

تعداد افراد زیر یکساله در سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲



به‌طوری که در سنین ۲۵-۲۹ سالگی، درصد زنان دارای همسر تقریباً ثابت است و در گروه‌های سنی بالاتر روبه افزایش می‌گذارد. به‌طوری که در گروه سنی ۴۵-۴۹ ساله این افزایش به بیش از ۱۰ درصد می‌رسد. این روند، طی سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ به‌طور تقریباً ثابتی مشاهده می‌شود و حکایت از پایداری پدیده مورد بحث دارد. این پدیده، یعنی کاهش درصد زنان همسر دار در گروه‌های سنی پائین و افزایش آن در سنین بالاتر را می‌توان ناشی از افزایش سن ازدواج نیز دانست. به هر حال نتیجه آن است که تعداد زنان موجود در معرض باروری کاهش یابد و موجب کاهش تعداد موالید شود. از طرف دیگر، کاهش درصد زنان همسر دار در نیمه اول دوران باروری و افزایش آن در نیمه دوم این دوران را می‌توان معلول براینده اثر همزمان افزایش سن ازدواج و افزایش امید زندگی بویژه در نزد مردان نیز به‌شمار آورد. چرا که در کشور ما به‌دلیل اختلاف سنی بین زن و شوهر، احتمال بی‌همسر شدن زنان در اثر فوت همسر (بیوگی) زیاد بوده است. در چنین شرایطی اگر امید زندگی مردان افزایش یابد، طول دوران همسر داری زنان نیز افزایش خواهد یافت. این امر می‌تواند اندکی از آثار بالارفتن سن ازدواج را خنثی کند. ولی به هر حال از آنجا که حداکثر میزان باروری ویژه سنی مربوط به گروه‌های سنی ۲۰-۲۴ و ۲۵-۲۹ سالگی است، می‌توان نتیجه گرفت که کاهش درصد زنان دارای همسر در این گروه‌های سنی اثر بسیار قویتری دارد و در مجموعه موجب کاهش تعداد موالید خواهد شد.

۳) آینده نگری در تعداد موالید سالانه

آیا کاهش موالید همچنان ادامه خواهد یافت؟

به‌طوری که ملاحظه شد سطح باروری که یکی از عوامل مهم و موثر بر تعداد موالید سالانه است در گذشته آهنگی کاهنده داشت و پیشبینی می‌شود این آهنگ در آینده هم ادامه یابد. ولی عوامل دیگری نیز بر تعداد موالید سالانه اثر می‌گذارد که متأسفانه غالباً نادیده می‌ماند. همین عامل است که موجب می‌شود پاسخ سؤال فوق منفی باشد. تحت تاثیر این عامل می‌توان مشاهده کرد که علی‌رغم کاهش سطح باروری، تعداد موالید سالانه کشور، در آینده روندی افزایشی خواهد داشت و دلیل آن ساختمان سنی جمعیت کشور است.

ترکیب سنی جمعیت کشور، ترکیبی بسیار جوان است. نسل‌های جمعیتی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۶۵ در سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۵ به مرحله باروری خواهند رسید. با فرض اینکه سطح باروری همچنان روند کاهشی خود را ادامه دهد و بپذیریم که هر یک از زنان این نسل حداکثر دارای سه تا چهار فرزند باشند،

به سهولت می‌توان محاسبه کرد که از تعداد ۱۳ میلیون نفر جمعیت زنان در این گروه، بیش از ۴۵ میلیون تولد نتیجه خواهد شد.

جدول شماره ۲:
درصد زنان همسر دار بر حسب سن در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۲

سال	سال	سال	سال	سال	سال	گروه سنی
۱۳۷۲	۱۳۷۱	۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	
کل کشور:						
۲۱/۵	۲۲/۸	۲۵/۱	۳۳/۲	۳۳/۹	۴۴/۸	۱۹-۱۵
۶۳/۶	۶۳/۹	۶۶/۳	۷۲/۶	۷۷/۵	۸۴/۷	۲۴-۲۰
۸۴/۶	۸۵/۴	۸۶/۱	۹۰/۰	۹۱/۵	۹۴/۴	۲۹-۲۵
۹۱/۷	۹۱/۸	۹۲/۱	۹۲/۱	۹۴/۶	۹۴/۸	۳۴-۳۰
۹۳/۴	۹۳/۳	۹۳/۱	۹۲/۲	۹۴/۴	۹۲/۶	۳۹-۳۵
۹۲/۰	۹۱/۶	۹۱/۶	۹۰/۱	۹۱/۲	۸۸/۱	۴۴-۴۰
۸۹/۱	۸۹/۰	۸۹/۰	۸۳/۷	۹۶/۲	۸۱/۴	۴۹-۴۵
۵۲/۸	۵۳/۱	۵۴/۵	۷۲/۴	۷۵/۲	۸۰/۸	۴۹-۱۵
نقاط شهری:						
۲۰/۵	۲۲/۴	۲۴/۴	۳۱/۸	۳۰/۲	۳۸/۹	۱۹-۱۵
۶۳/۹	۶۴/۹	۶۶/۱	۷۳/۹	۷۲/۹	۷۹/۸	۲۴-۲۰
۸۴/۸	۸۵/۶	۸۵/۶	۸۷/۱	۹۰/۱	۹۱/۷	۲۹-۲۵
۹۱/۱	۹۱/۴	۹۱/۴	۹۱/۵	۹۳/۲	۹۲/۸	۳۴-۳۰
۹۳/۰	۹۲/۹	۹۲/۵	۹۲/۲	۹۳/۲	۹۱/۰	۳۹-۳۵
۹۱/۵	۹۰/۷	۹۱/۰	۹۱/۲	۹۱/۰	۸۵/۲	۴۴-۴۰
۸۸/۳	۸۸/۳	۸۷/۹	۸۸/۵	۹۴/۳	۷۷/۶	۴۹-۴۵
۵۴/۴	۵۵/۱	۵۶/۳	۷۲/۹	۷۴/۲	۷۹/۴	۴۹-۱۵
نقاط روستایی:						
۲۲/۷	۲۳/۳	۲۵/۹	۳۴/۰	۳۷/۶	۴۸/۹	۱۹-۱۵
۶۳/۲	۶۲/۳	۶۶/۵	۷۳/۸	۸۲/۵	۸۸/۰	۲۴-۲۰
۸۴/۲	۸۵/۱	۸۷/۰	۸۹/۸	۹۴/۲	۹۵/۴	۲۹-۲۵
۹۲/۶	۹۲/۵	۹۳/۲	۹۳/۵	۹۶/۰	۹۵/۹	۳۴-۳۰
۹۴/۰	۹۴/۰	۹۴/۲	۹۴/۰	۹۵/۵	۹۴/۶	۳۹-۳۵
۹۲/۶	۹۲/۹	۹۲/۷	۹۲/۴	۹۲/۱	۸۹/۷	۴۴-۴۰
۹۰/۴	۹۰/۰	۹۰/۵	۸۹/۳	۸۷/۸	۸۳/۹	۴۹-۴۵
۵۰/۴	۵۰/۰	۵۲/۰	۷۳/۳	۷۸/۲	۸۳/۴	۴۹-۱۵

ماخذ: اطلاعات مربوط به سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ از مقاله:

Population change in Iran, 1966-86: A stalled Demographic Transition

چاپ Population and Development Review جلد ۱۷ شماره ۴ دسامبر ۱۹۹۱، نوشته آقای دکتر اکبر آقاچانیان اقتباس شده است.

بنابراین باید انتظار داشت که بزودی روند کاهشی تعداد موالید عوض شود و شروع به افزایش کند. البته باید توجه داشت که این افزایش مسلماً با کاهش سطح باروری و نیز کاهش میزان خام موالید همراه خواهد بود. به همین دلیل است که در شروع بحث عنوان شد که در برنامه‌ریزیهای کشاورزی نباید به روند کاهندهٔ میزانها و نسبتها دل خوش داشت بلکه باید به تعداد جمعیتی که هر سال به صف مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی اضافه می‌شوند توجه کرد. زیرا همان‌گونه که مشاهده شد، در کشور، ما علی‌رغم کاهش سطح باروری و میزان خام موالید، تعداد متولدین سالانه، در سالهای ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵ روبه افزایش خواهد گذاشت.

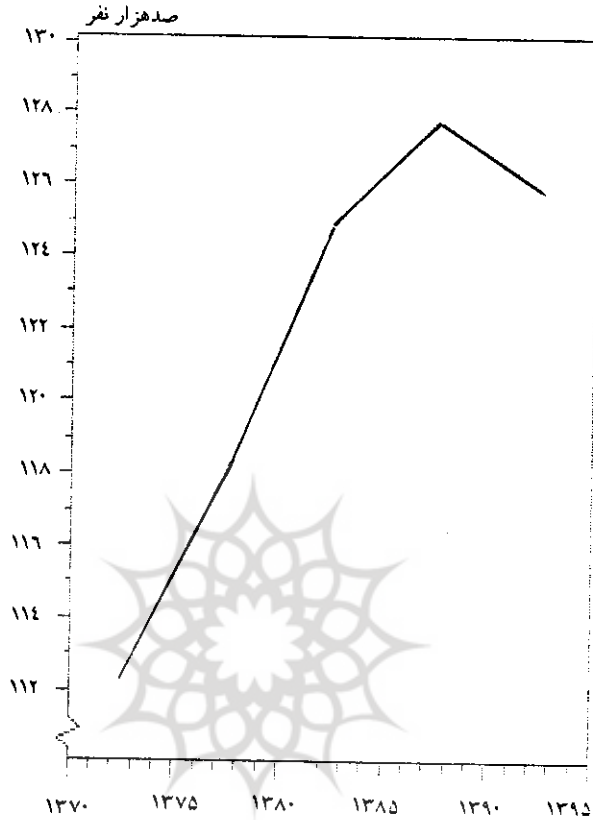
برای روشنتر شدن این مطلب، با استفاده از برنامه‌های پیشبینی جمعیت، برآوردی، از چگونگی تغییرات سه عامل مورد بحث، یعنی تعداد موالید، میزان خام موالید و سطح باروری (TFR) انجام شده است که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

به طوری که ملاحظه می‌شود، همان‌گونه که گفته شد علی‌رغم آنکه میزان باروری کل از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۹۵ همچنان کاهنده فرض شده است و بویژه فرض شده است که در سال ۱۳۹۵ این میزان به حدود ۳ بچه برای هر زن واقع در سن باروری برسد، و نیز علی‌رغم آنکه در این مدت میزان خام موالید نیز آهنگ نزولی خود را حفظ کرده و در دوره پنجساله ۱۳۹۰ - ۱۳۹۵ تا ۲۷/۴ در هزار کاهش می‌یابد، ولی در عین حال ظرفیت موجود در جمعیت اجازه نخواهد داد که تعداد موالید نیز کاهش یابد. بلکه این رقم تا حوالی سال ۱۳۹۰ همچنان آهنگ افزایشده خواهد داشت. به طوری که پیشبینی می‌شود تنها در دورهٔ پنجساله ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰ بیش از ۱۲/۵ میلیون نوزاد (با کمی اغماض، به طور متوسط ۲/۵ میلیون نوزاد در هر سال) به دنیا آید.

نکته دیگری که توجه به آن ضروری است آن است که نسلهای جمعیتی حاصل از موالید بسیار بالا در همین سالها، ظرفیت جدیدی در جمعیت کشور ایجاد خواهد کرد که موجب خواهد شد تا در سالهایی که این نسلهای جمعیتی به دوران باروری می‌رسند، مجدداً تعداد موالید افزایش یابد.

نتیجه آنکه این افزایشهای مقطعی تعداد موالید در کشور چندین بار اتفاق خواهد افتاد و در صورتی که روند کاهندهٔ سطح باروری همچنان ادامه یابد، می‌توان انتظار داشت که ۲۰ سال آینده این نوسانات به تدریج کاهش یابد و تعداد موالید در سطح ثابتی قرار گیرد.

نمودار شماره ۵: موالید سالانه کشور تا سال ۱۳۹۵



جدول شماره ۳: طالعالت فرزندگی
برآوردی از میزانها باروری کل، میزان خام موالید و تعداد موالید زنده طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵

تعداد موالید زنده (میلیون نفر)	میزان خام موالید CBR (در هزار)	میزان باروری کل TFR	دوره‌های زمانی
۱۱/۲۳	۲۷/۴۱	۵/۲۶	۱۳۷۵ - ۱۳۷۰
۱۱/۸۰	۲۴/۳۹	۴/۶۴	۱۳۸۰ - ۱۳۷۵
۱۲/۴۹	۲۲/۲۳	۴/۰۹	۱۳۸۵ - ۱۳۸۰
۱۲/۷۸	۲۹/۵۲	۳/۶۲	۱۳۹۰ - ۱۳۸۵
۱۲/۵۹	۲۶/۴۱	۳/۱۹	۱۳۹۵ - ۱۳۹۰



منابع

شوریه‌نگار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- ۱) مرکز آمار ایران سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵، نتایج تفصیلی کل کشور، نشریه شماره ۶ سال ۱۳۶۶
- ۲) مرکز آمار ایران، آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰، نتایج عمومی، کل کشور، نشریه شماره ۲۵-۱ سال ۱۳۷۲
- 3) AKBAR AGHAJANIAN, Population Change in Iran , 1966-86: A Stalled Demographic Transition? Population and Development Review, Volume 17, Number 4 December 1991, Population Council.